



فساد گسترده در پهنه فوتبال ایران!



طرح صیانت ناقض قانون اساسی است

قلمرو زندگی خصوصی اشخاص است که انتظار نقض آن را ندارند و هرگونه تعرض و مداخله دیگران از جمله ورود نظارت و دسترسی به آن بدون رضایت شخص ممنوع است. تمامیت جسمانی، مسکن، محل کار، اطلاعات و ارتباطات خصوصی شخص از جمله ساحت حریم خصوصی وی به حساب می آید. علاوه بر بسند امنیت قضایی در بند نهم منشور حقوق شهروندی یا عنوان «حق حریم خصوصی» چنین عنوان شده است:

ماده ۲۶- حق هر شهروند است که حریم خصوصی او محترم شناخته شود. محل سکونت، اماکن و اشیاء خصوصی و وسایل نقلیه شخصی از تفتیش و بازرسی مصون است، مگر به حکم قانون.
 ماده ۳۷- تفتیش، گردآوری، پردازش، بکارگیری و افشای نامه‌ها اعم از الکترونیکی و غیرالکترونیکی، اطلاعات و داده‌های شخصی و نیز سایر مراسلات پستی و ارتباطات از راه دور نظیر ارتباطات تلفنی، نماند، بی‌سیم و ارتباطات اینترنتی خصوصی و مانند این‌ها ممنوع است، مگر به موجب قانون.
 ماده ۳۸- گردآوری و انتشار اطلاعات خصوصی شهروندان جز با رضایت آگاهانه یا به حکم قانون ممنوع است.
 ماده ۳۹- حق شهروندان است که از اطلاعات شخصی آن‌ها که نزد دستگاه‌ها و اشخاص حقیقی و حقوقی است، حفاظت و حراست شود. در اختیار قرار دادن و افشای اطلاعات شخصی افراد ممنوع است و در صورت لزوم به درخواست نهادهای قضایی و اداری صالح منحصراً در اختیار آن‌ها قرار می‌گیرد. هیچ مقام و مسئولی حق ندارد بدون مجوز صریح قانونی، اطلاعات شخصی افراد را در اختیار دیگری قرار داده یا آن‌ها را افشا کند.
 ماده ۴۰- هر گونه بازرسی و تفتیش بدنی باید با رعایت قوانین، احترام لازم و با استفاده از روش‌ها و ابزار غیراقتضای آمیز و غیرآزاردهنده انجام شود. همچنین آزمایش‌ها و اقدامات پزشکی اجباری بدون مجوز قانونی ممنوع است.
 ماده ۴۱- کنترل‌های صوتی و تصویری خلاف قانون در محیط‌های کار، اماکن عمومی، فروشگاه‌ها و سایر محیط‌های ارائه خدمت به عموم، ممنوع است.

ماده ۴۲- حق شهروندان است که حرمت و حریم خصوصی آن‌ها در رسانه‌ها و تریبون‌ها رعایت شود. در صورت نقض حرمت افراد و ایجاد ضرر مادی یا معنوی، مرتکبین طبق مقررات قانونی مسئول و موظف به جبران خسارت می‌باشند.
 بدیهی است که نتیجه‌ی تحلیل و بررسی ماده به ماده‌ی طرح موصوف برابر است با احراز مصادیق بیشماری از نقض اصول قانون اساسی و حقوق شهروندی، اما آنچه واضح و مبهره است عدم توجه نمایندگان به اصول بدیهی و حقوق اساسی ملت مصحح در قانون اساسی است لذا در شرایطی که حداقلی لازم در بحث استیفاء ملت از فضای سایبر تأمین نشده این پرسش مطرح است که طراحان طرح صیانت از فضای مجازی تا چه میزان به حقوق شهروندی و حریم خصوصی شهروندان باور دارند.

نمایندگان مجلس در حالی اقدام به بررسی مجدد طرح موصوف به صیانت از حقوق کاربران فضای مجازی در مجلس کرده‌اند که طرف دوسال گذشته هیچ‌یک از مقامات و ارگان‌های مسئول در حوزه اینترنت و فضای مجازی از جمله وزارت ارتباطات و شورای عالی فضای مجازی پاسخی روشن پیرامون دلیل کندی سرعت اینترنت یا افزایش قیمت بسته‌های اینترنتی نداده‌اند.
 ماده ۳ قانون شرح وظایف و اختیارات وزارت ارتباطات و فناوری اطلاعات در مقام تبیین وظایف این وزارتخانه، توسعه و ترویج ارتباطات و فناوری اطلاعات در کشور و تأمین زیرساخت‌های مورد نیاز آن به منظور دسترسی آحاد مردم به خدمات پایه‌ی بی‌خطر و تکلیف این ارگان دولتی اعلام کرده و بند «ا» این ماده، اعمال استانداردها، ضوابط و نظام‌های کنترل کیفی و تأیید نمونه تجهیزات در ارائه خدمات و توسعه و بهره‌برداری از شبکه‌های مخابراتی، پستی و فناوری اطلاعات در کشور را از وظایف این وزارتخانه می‌داند.
 علاوه بر تکلیف تعریف‌شده در این قانون ماده ۲ قانون انتشار و دسترسی آزاد به اطلاعات، حق دسترسی به اطلاعات عمومی را حق هر شهروند ایرانی دانسته که عملیاتی شدن این حق در گرو تأمین زیرساخت‌های لازم جهت دسترسی سهل و آسان مردم به فضای سایبر است. در شرایطی که افراد ملت ایران از حداقل‌های بهره‌مندی از فضای سایبر محروم هستند، مطرح شدن طرحی که به انحاء متنوع حقوق شهروندی و حریم خصوصی اشخاص را نقض می‌کند، مبین عدم توجه نمایندگان مجلس به اصول قانون اساسی و حقوق تعریف‌شده برای ملت است. علاوه بر ضرورت توجه به حقوق ملت در انشاء قوانین از جمله قواعد ابتدایی تدوین مقررات پیش‌بینی شرایط اعمال و ضمانت اجرای آن قاعده است لذا انشاء قانون بدون توجه به این زیرساخت‌ها امری است عبث. مصداق چنین امری در طرح مذکور الزام پیام‌رسان‌های خارجی به اخذ مجوز از هیئت ساماندهی و نظارت و یا الزام پیام‌رسان‌های داخلی به ارائه اطلاعات کاربران است. اصل ۲۲ و ۲۵ قانون اساسی تعرض به حقوق اشخاص و بازرسی و بررسی مکاتبات و مکالمات و... اشخاص را ممنوع دانسته و در قوانین کیفری نقض این اصول بدیهی جرم‌انگاری شده است با این وصف بند ۱۰ تا ۱۳ ماده ۲۴ شرکت‌های خدمات‌دهنده را ملزم به ارائه نامحدود اطلاعات و داده‌های کاربران به نهادهای ذیصلاح کرده بدون آنکه تعریفی شفاف از نهادهای ذیصلاح ارائه شود. انشاء چنین مقرره‌ای در شرایطی است که سند امنیت قضایی در مقام تعریف حریم خصوصی مقرر می‌کند؛ منظور از حریم خصوصی:



محمدجادی جعفریور

وکیل دادگستری



سیستما تیک شدن فساد



حسین بیات، حقوقدان و مدرس دانشگاه هم درباره ابعاد اتهام یک وزیر به فساد مالی به هم میهن می‌گوید: «قطعاً حمایت رئیس دولت از فرد فاسد، فردی که در مظان ارتکاب یک جرم است یا فردی که به اعتماد عمومی لطمه زده و خیانت کرده، قابل دفاع نیست. در هر نظام سیاسی مردمسالار و شفاف، به محض اینکه یک مقام ارشد سیاسی در سطح وزارت متهم به ارتکاب یک بزه می‌شود، رئیس دولت باید بلافاصله واکنش نشان داده و اقدام قانونی لازم از جمله عزل فرد و اعلام مراتب به دستگاه دادگستری را انجام دهد. این رفتار برای این است که رئیس دولت در معرض سوال و پرسش است و نمایندگان حزب مخالف در صحن مجلس و رسانه‌ها او را تحت فشار قرار می‌دهند.»

او بر این موضوع هم تأکید می‌کند که در یک نظام مردمسالار نظارت مردمی و پاسخگویی به شدت قدرتمند هستند و به همین دلیل امکان پنهانکاری و نفی فساد وجود ندارد.
 به همین دلیل هم در بسیاری موارد مقام مسئولی که در مظان اتهام ارتکاب فساد مالی یا اخلاقی است، به جای مقاومت یا لاپوشانی استعفا می‌دهد: «فرهنگ دموکراتیک به گونه‌ای است که مقام مسئول نیز کار را رها می‌کند و اجازه می‌دهد که دستگاه قضا وارد شود و موضوع را بررسی کند.»

این حقوقدان معتقد است که به دلیل سیستماتیک شدن فساد در ایران حتی مقامات ارشد کشور هم در معرض ارتکاب فساد قرار می‌گیرند: «در مجاری تخلفات دو نفر فرزند معاون سابق رئیس قوه قضائیه اول باید معاون قوه قضائیه برای جلوگیری از جریحه‌دار شدن افکار عمومی و زیر سوال رفتن دستگاه دادگستری بلافاصله استعفا می‌داد در حالی که این فرایند ۶ ماه زمان برد.»

بیات با تأکید بر اینکه این رفتارها اثر نامطلوبی بر اذهان عمومی می‌گذارد که به سادگی هم از بین نمی‌رود، عنوان می‌کند: «به دنبال این رفتارها سرمایه اجتماعی دولت آسیب می‌بیند. در قانون اساسی آمده است که قدرت سیاسی و دیهیه‌ای در اختیار دولت و حکومت است و باید این دیهیه را پاس بدارد و در مقام ارتقای سرمایه اجتماعی نزد مردم دربیاید.»

به گفته این استاد حقوق، رئیس جمهور باید وزیر متهم را عزل می‌کرد و علت آن را نیز بیان می‌کرد: «رئیس جمهور به واسطه قسمی که خورده مکلف است با هر نوع فساد در قوه مجریه برخورد کند. یعنی بلافاصله بعد از تشکیل پرونده قضایی باید واکنش نشان دهد، فرد خاطی را عزل کند و به مردم توضیح دهد. اگر رئیس جمهور این کار را نکرده، خلاف قانون اساسی و وظایف خود عمل کرده و باید پاسخگو باشد.»

عاقبت قصور و تقصیر رئیس جمهور

یکی از وظایف رئیس جمهور اجرای قانون اساسی است اما اگر شخص رئیس جمهور از این اصول تخلف و بر خلاف قانون عمل کند، چه مسئولیتی متوجه اوست؟ سوالی که بیات در پاسخ به آن می‌گوید: «باید واقع‌بین باشیم. میثاق ملی، مجموع آمال و آرزوهایی است که ملت انتظار دارد در ساختارها، هنجارها و رفتارهای مقامات دولتی و اجزا و ارکان نظام سیاسی دیده شود. اما ما هنوز به این سطح نرسیده‌ایم. انتظار این است که رئیس جمهور به قسم خود پایبند و پاسخگوی مردم باشد. وقتی چنین موضوعاتی مطرح می‌شود اگر رئیس جمهور واکنش نشان نداد یا ندانست مرتکب قصور شده و اگر دانست و واکنش به موقع نشان نداد دچار تقصیر شده است. یعنی عالمانه و عاقدانه بر ارتکاب جرم در دستگاه تحت نظارت خودش چشم بسته و خلاف قانون اساسی عمل کرده است. اگر چنین موضوعی احراز شود، مجلس و دیوانعالی کشور می‌توانند حسب مورد ورود کنند. مجلس می‌تواند از رئیس جمهور سوال یا او را احضار یا استیضاح کند و اعلام عدم اعتماد کند. دیوان عالی کشور هم می‌تواند او را تحت پیگرد قرار دهد.»

او یادآوری می‌کند که در دوران احمدی‌نژاد و روحانی مجلس فقط نوانست دو سوال مطرح کند. آن هم با اما و اگرها و مشکلات بسیار: «سدها باید شکسته شوند. مجلس باید به راحتی رئیس جمهور را احضار یا در صورت نیاز استیضاح کند. برای اینکه مجلس بتواند این کار را بکند یا دستگاه قضا بخواهد این کار را انجام دهد، باید مجلسی قدرتمند، مستقل و متکثر داشته باشیم.»

مجلس یازدهم نشان داد که چنین شرایطی ندارد. در حال حاضر عمده نمایندگان مجلس از جبهه پایداری و کاملاً همسو با رئیس جمهور هستند به همین علت هم از رئیس جمهور سوال نمی‌کنند یا او را تحت فشار و استیضاح قرار نمی‌دهند. ساختار فعلی مجلس فعلاً این توان را ندارد که از رئیس جمهور سوال کند که

ردپای این آقا در جای دیش و... دیده شده، چرا تعلل کردی و زودتر او را معرفی نکردی؟ به هر حال رئیس جمهور مسئولیت دارد و باید پاسخگو باشد.»

شفافیت سیستماتیک نیست



محمود صادقی، رئیس فراکسیون شفافیت مجلس دهم است که در آن زمان ساداتی نژاد از او شکایتی را در دستگاه قضایی مطرح کرد. صادقی درباره پرونده مذکور به هم میهن می‌گوید: «در اولین سال مجلس دهم من و ساداتی نژاد هر دو عضو کمیسیون آموزش و تحقیقات بودیم. در آن زمان یک دانشجوی دکتری بورس‌های خودکشی کرده بود.»

زاهدی رئیس کمیسیون کارگروهی برای بررسی علل این خودکشی تشکیل داد که ساداتی نژاد نماینده کاشان هم عضو این کارگروه بود. او در پیگیری این قضیه اینگونه وانمود می‌کرد که علت خودکشی دانشجوی مذکور قطع بورس‌های او توسط دولت (روحانی) بوده است.» او ادامه می‌دهد که ما موضوع را بررسی کردیم در دانشگاه و استاد راهنما شرایطش را پرسیدیم و مشخص شد دانشجوی مذکور مسائل دیگری داشته است.
 در آن مقطع ساداتی نژاد به جای اقدام به کار گروهی تکراری می‌کرد. من هم در مصاحبه‌ای برخی مسائل را مطرح کردم: «در ادامه در خصوص تخلفات مالی که در دانشگاه کاشان در زمان ریاست ساداتی نژاد و نفر بعد از ایشان اتفاق افتاد، پیگیری‌هایی داشتیم. بنده قبل از مجلس در وزارت علوم مسئولیت داشتم و گروه‌های اعزام‌شده از سوی وزارت علوم این تخلفات مالی را به دست آوردند. من درباره این تخلفات هم نکاتی را گفتم که باعث شکایت ساداتی نژاد از من شد. در دادگاه هم اسناد و مدارکی را ارائه دادم و در نهایت از اتهام مطروحه تبرئه شدم.»

از جمله مسائلی که صادقی درباره تخلفات مالی ساداتی نژاد و رئیس بعدی دانشگاه کاشان مطرح می‌کند، سندسازی این افراد برای بیش از ۷۰۰ میلیون تومان از بودجه دانشگاه کاشان بوده است: «این پول در جای دیگری هزینه شده بود و براساس آنچه ما به دست آوردیم، این پول در بعضی مسائل جناحی و سیاسی هزینه شده بود. سازمان بازرسی بعداً به موضوع ورود کرد و علیه ساداتی نژاد و رئیس بعدی دانشگاه که در این مسئله با یکدیگر ارتباط داشتند اعلام جرم کرد. اما به دلیل تعلل یا اعمال نفوذ، این پرونده مورد رسیدگی قرار نگرفت.»

این نماینده سابق مجلس تأکید می‌کند: «وقتی ابراهیم رئیسی، ساداتی نژاد را به عنوان وزیر معرفی کرد، گزارش مربوطه را برای او فرستادم. با بعضی نمایندگان مثل آقای میرسلیم هم صحبت کردیم که به این گزارش توجه کنند. اما توجهی نکردند و جالب این است که همان فردی که در کنار ساداتی نژاد علیه او اعلام جرم شده بود، در دولت جدید بار دیگر رئیس دانشگاه کاشان شد و این ریاست همچنان هم ادامه دارد.»

نکته آن است که پرونده سازمان بازرسی که هنوز هم موجود است، نادیده گرفته شد. پرونده دانشگاه کاشان مربوط به دولت‌های نهم و دهم بود. همه دفاعی که آقای ساداتی نژاد در این پرونده از خودش می‌کند، این است که می‌گوید این مسئله به من مربوط نیست.

در حالی که او و رئیس بعدی دانشگاه با هم مرتبط بودند. «صادقی علت رسیدن فساد اقتصادی به سطح وزیر را ایرادی ساختاری می‌داند. او معتقد است: «فسادها در کشور ما، عمدتاً بر پایه ضعف ساختارها، عدم شفافیت، حاکم شدن روابط بانندی و جناحی و غلبه آن بر قانون رخ می‌دهند. اصل حاکمیت قانون فراموش شده، تا جایی که سازمان بازرسی درباره موضوعی تشکیل پرونده می‌دهد، بررسی می‌کند، گزارش می‌دهد اما در نهایت به نتیجه نمی‌رسد.» او می‌گوید: «همه این موضوعات به دلیل مناسبات بانندی، عدم شفافیت و ضعف ساختارهای نظارتی، قضایی و عدم استقلال نهادهای نظارتی و قضایی رخ می‌دهند زیرا شفافیت سیستماتیک وجود ندارد.» صادقی یادآوری می‌کند که ساداتی نژاد همان زمان هم پرونده‌های زیادی در دیوان محاسبات داشت که در آنجا هم پرونده‌ها به نتیجه نمی‌رسد.

این نماینده سابق مجلس تأکید می‌کند: «وقتی رئیسی رئیس جمهور شد، دفترش با بعضی افراد از جمله من تماس گرفت و شماره مخصوصی اعلام کردند که با او در پیام‌رسان‌ها ارتباط مستقیم داشته باشیم. ابتدا خوشبین بودم و پیشنهادهای و انتقادهای مختلف را مطرح می‌کردم. از جمله همین مسئله را به صورت مستند به رئیسی اطلاع دادم. ولی بعد از مدتی دیدیم این شماره و ارتباط نامایشی است و پس.»

ادامه سر مقاله

با وجود «پرونده نهادهای دامی و فروش ۱۱۰۰ میلیارد تومان نهاد دامی با کواتز صوری»، «پرونده فساد ۳/۷ میلیارد دلاری جای دیش» و «پرونده انتصابات فامیلی در وزارت جهاد کشاورزی» که همه آنها در مدت کوتاه تکیه زدن ساداتی نژاد بر صندلی این وزارتخانه رخ داده، چه جایی برای اعلام وجود گشت ارشاد مدیران دولت می‌ماند؟ اینها تازه پرونده‌های اصلی هستند و اگر گزارش‌های رسمی و شفاهی وزارتخانه از آنچه که در مدت کوتاه مدیریت وی بر این وزارتخانه گذشته است، انتشار یابد؛ مشنوی بلندی خواهد شد. واقعا تکرار این پرسش مطرح است که چند ماه پیش دبیرکل حزب کارگزاران سازندگی گفت: «کجا سابقه داشته که در سطح وزیر چنین فسادی رخ دهد، و چرا آقای رئیسی یک بار نیامد بعد از تخلفات ساداتی نژاد در پرونده نهادهای دامی، از مردم

عذرخواهی کند؟»
 اگر عذرخواهی را نادیده بگیریم، تداوم این وضعیت و سکوت در برابر آن از اصل وقوع چنین فسادهایی هولناک‌تر است. مهم‌تر از ناکامی مطلق دولت در نصف و تکرر کمی کردن تورم، ناتوانی آن در مبارزه با فساد است که برای اولین بار پس از انقلاب در چنین سطحی از مدیریت کشور رخ داده است.
 آخرین نکته اینکه چطور است که آقای روحانی و امثال ایشان به نداشتن یا ضعف فهم و بینش سیاسی متهم و دصلاحت می‌شوند، پرسش این است که آیا همان معیار برای سنجش نامزدی این وزیر با این پرونده هم به کار برده شده بود؟ چطور ایشان برای نمایندگی کاشان تأیید صلاحیت می‌شود؟ هرچند بعداً خودشان انصراف می‌دهند!